

ارتباط با قدرت خداوند و احساس آرامش

از فصل انتظار تماشای اطلسی

باید عبور کرد و به فصل دیگری رسید

فصلی پر از ترنم باران زندگی

فصلی برای رفع عطش گنگ تشنگی

خدیدجه اسدی

روح متعادل خداوند و کائنات، خود را بر همه با همان شور و هیجان و انسجام، آشکار می‌سازد؛ ولی تنها دلیران سلحشور هستند که با ثبات و سازگاری با این قدرت لایتناهی، هم‌نوا می‌شوند. «همه‌ی ما، آن دلیران هستیم.»

درحقیقت، راه برقراری ارتباط با ذهن برتر جهان و دسترسی به قدرت این منشأ خلاق، توجه و اندیشه‌ی مداوم شما نسبت به خودتان و خودشناسی است و برای رسیدن به این منظور، باید با قدرت مشیت الهی هم‌سو شد. آفریننده باش؛ مهربان باش؛ عاشق باش. خداوند، عشق است؛ عین زیبایی باش؛ همواره در حال رشد و گسترش باش؛ وفور و فراوانی را مجسم کن؛ پذیرنده باش.

۴) به سکوت اعتماد کنید و از لبریز شدن آرامش و صفای درونی که ارمغان همیشگی سکوت و مراقبه است، در آرامش و لذت فرورویید.

به‌طور کامل خالی و تهی بودن ذهن، چیزی ترسناک نیست؛ برای ذهن‌مان ضروری است. با خالی‌الذهن بودن و سکوت و تحت فشار و تحمل نبودن، می‌توانید به ژرفای ناشناخته‌ها قدم گذارید.

به هر حال، شما جزئی از این هوش و خرد جهانی خداوند می‌باشید. جزئی از صورت لایتناهی. همه‌ی آن‌چه که خداوند خلق کرده است، خوب و نیک می‌باشد، پس نسبت به خودت مهربان باش و بگو من، آفریده‌ی او هستم و این دلیل کافی برای خوب رفتار کردن و مهربان بودن با خودم می‌باشد و به خود یادآور می‌شوم در زمانی که کنار همسر یا فرزندانم هستم یا غذا می‌خورم یا... با مهربانی و با محبت با خود رفتار می‌کنم. مهربان بودن با خود، روند و قابلیت تو را برای ارتباط با قدرت خداوند تسریع می‌کند.

به گل نگاه کن و گل شو! به دور گل برقص و آواز بخوان. باد مطبوع و خنکی می‌وزد؛ خورشید درخشان است؛ گل‌ها در حال رویش‌اند؛ گل‌ها در باد می‌رقصند و سر فرشته، آواز می‌خوانند؛ لالایی می‌گویند. با آن‌ها همراه شو و آرام شو. بی‌تفاوتی یا معترض‌بودن و کناره‌گیری را از خود دور کن؛ تمام تفکرها، چه علمی و چه غیرعلمی را دور بریز؛ کمی روان و انعطاف‌پذیر شو؛ بگذار گل‌ها با درونت سخن بگویند؛ بگذار گل‌ها وارد زندگی‌ات شوند؛ دعوت‌شان کن؛ آن‌ها جزئی از تو و جزئی از جان جهان هستند؛ مهمان تو هستند. به این شکل، تو راز آرامش و ارتباط با قدرت لایتناهی را تجربه می‌کنی. این، اولین قدم به‌سوی این راز می‌باشد و اگر لحظه‌ای به آن بی‌بندی، کلید و رمزی را درک می‌کنی و بعد در تمام کارهایی که انجام می‌دهی، این قدرت جان جهان را در زندگی‌ات حس می‌کنی.

این جاست که سؤالی در ذهنت مطرح می‌شود: «چگونه احساس آرامش کنم؟»

۱) برای منظوری در این‌جا هستیم؛ هر آن‌چه را که آرزو کنیم، می‌توانیم به ثمر برسانیم؛ برای رسیدن به این مقصود، با نیروی خلاق و فراگیر کائنات و خداوند در هماهنگی هستیم.

۲) ذکر می‌گوییم؛ خدا را شکرگزار و سپاسگزار هستیم و می‌گوییم: «خداوند! شکرگزار تو هستیم که به من جان دادی؛ عشق دادی؛ مهربانی، وجدان، قدرت، شهامت، پاکی، صفا، صمیمیت، موفقیت، شادی، شادمانی، لبخند و... دادی.»

۳) با خودم آن‌گونه رفتار می‌کنم که گویی هم‌اکنون آن‌چه که می‌خواهم باشم، هستم و خود را با قدرت جان جهان، هم‌سو می‌کنم و آن، زمانی است که با ذهنی پاک و مقدس از کنار دشت‌ها که گذر می‌کنم، از روی سنگ‌فرش‌ها که گذر می‌کنم، از میان سنگ‌ها و کنار گیاهان و تمامی حیوانات و... ذرات انرژی‌شان هم‌چون جرقه‌ای برخاسته و به وجود من می‌پیوندند و آن‌گاه است که آن جرقه‌های خلوص‌یافته، تبدیل به شعله‌ای مقدس در درونم می‌گردد.

